

## روى موج کوتاه

عراقچی در کویت:  
آماده گفتگو با

## کشورهای منطقه هستیم

سیدعباس عراقچی، معاون سیاسی وزیر خارجه که در کویت به سر می‌برد، در دیدار با «شیخ خالد الحمد الصباح»، وزیر خارجه کویت سیاست تحریمی آمریکا را باعث به خطر انداختن امنیت کل منطقه خواند و آمادگی ایران را برای گفتگو و تعامل سازنده با کشورهای منطقه اعلام کرد. وی گفت: گفتگو و رایزنی با کشورهای منطقه از مبانی سیاست خارجی کشورمان بوده و بر همین اساس جمهوری اسلامی آمادگی دارد از طریق ایجاد ساز و کارهای منطقه‌ای وارد گفتگو و تعامل سازنده با این کشورها شود.

## استقبال لاوروف از

## معاهده پیشنهادی ظرف

به گزارش روسیالیوم، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه دیروز در یک نشست خبری از پیشنهاد محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان برای امضای معاهده «عدم تجاوز» به کشورهای همسایه، گفت: «موافقت بر مسئله عدم تعرض به یکدیگر می‌تواند نخستین گام برای خاموش کردن آتش تنش‌ها باشد و به نظر ما این نوع برنامه درست است.» ظریف یکشنبه هفته جاری در بغداد اعلام کرد: مابه‌دنبال ایجاد روابط با تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس هستیم و در این راستا پیشنهاد متعددی برای همکاری از جمله پیشنهاد امضای تعهد عدم تجاوز به کشورهای حاشیه خلیج فارس را داده‌ایم.

## دعوت ریاض از قطر برای

## حضور در مذاکرات منطقه‌ای

به گزارش ایلنا به نقل از دبلیو استار، مقام‌های قطر اعلام کردند که از سوی عربستان سعودی دعوت‌نامه‌ای برای حضور در مذاکرات منطقه‌ای اضطراری برای بحث در مورد تنش‌های بین ایران و ایالات متحده دریافت کرده‌اند. بر اساس این خبر، ریاض دو جلسه را ترتیب داده است تا در این جلسات در خصوص انفجارهای اخیر و تنش‌های میان ایران و آمریکا با اعضای اتحادیه عرب و کشورهای حاشیه خلیج فارس بحث و گفت‌وگو کند.

## چرا عارف کاندیدی

## ریاست مجلس شد؟

علی مطهری، عضو فرآکسیون امید مجلس به ایسنا گفت: درباره انتخابات هیأت‌رئیس مجلس در فرآکسیون امید دو نظر وجود داشت، یکی نظر بانچه‌ها مثل آقایان تاجگردون و تابش و بنده که مخالف معرفی کاندیدا برای ریاست بودیم زیرا احتمال رأی‌آوری کاندیدی ریاست قاعدتا آقای عارف بود ضعیف‌وزیر ۵۰ درصد بود باعث اتحاد دو فرآکسیون دیگر می‌شد. یکی دیگر نظر جوانترها و آقای عارف بود که به شدت طرفدار معرفی کاندیدا برای ریاست بودند. استدلال گروه دوم از جمله جناب آقای عارف این بود که ما باید به جامعه پیام بدهیم که این جریان سیاسی بی‌تفاوت نیست و برای ریاست هم کاندیدا دارد هر چند رأی‌نیورد، آنگاه اعلام می‌کنیم که تعداد مادر مجلس این مقدار است و در اقلیت هستیم پس انتظار بیش از حد نداشته باشید و این پیام در واقع برای انتخابات اسفند ۹۸ و انتخابات ۱۴۰۰ خواهد بود.

## نظر باهنر درباره ایده رفرا اندوم

محمد ضابطه‌بهنر به شفقنا گفت: ماهر چندسال یکبار انتخابات داریم و مردم در انتخابات شرکت می‌کنند. اگر مردم در انتخابات شرکت نکردند می‌توان فهمید که مردم نظر دیگری دارند. نیاز نیست هر حکومتی هر سال رفرا اندوم برگزار کند. مردم باید در حضور و بروز خود با اکثریت همراه نظام باشند و وقتی اکثریت همراهی نکردند می‌توان متوجه شد که نظر مردم متفاوت است ولی در انتخابات ریاست جمهوری ۶۰ درصد از مردم شرکت می‌کنند و این خود رفرا اندومی است که در تایید مشروعیت نظام است و این مهم نیست که به چه کسی رأی می‌دهند هر کسی که پای صندوق می‌آید یعنی به نظام معتقد است.

## بقای و مشای

## به هر خصی آمدند

حمیدبقایی معاون اجرایی دولت‌احمدی‌نژاد و اسفندیار رحیم‌مشایی رئیس دفتر رئیس دولت دهم به مناسبت فرارسیدن لیالی قدر و عید سعید فطر از اوین به هر خصی آمدند.

## هر چه خروج از بن بست‌های

سیاسی سخت‌تر می‌شود، مدافعان تغییر قانون اساسی باطمینان بیشتری ضرورت دست بردن در قانون اساسی را مطرح می‌کنند؛ با این استدلال دردهای بی‌چاره مملکت است

دوم یا نخبگان را ندارد. مصباحی مقدم یکی از آن افراد است که در این باره معتقد است: «مجلس عوام مجلسی است که با مردم بیشتر در ارتباط است و نیازهای آنها را در نظر می‌گیرد اما خروجی‌اش شاید به مصلحت نظام نباشد.» او توضیح می‌دهد «در واقع مجلس عوام یا مجلس نمایندگان نگاه بلندمدت به موضوعات ندارد. لذا باید مجلسی که نیمه انتخابی و نیمه انتصابی است نیز وجود داشته باشد تا بتواند کنترل‌کننده باشد. یعنی چیزی که در مجلس عوام تصویب می‌شود در مجلس دوم مورد بررسی و تایید قرار گیرد.»

در سسوی دیگر ماجرا، مخالفان هشدار می‌دهند که مجلس دوم یا همان مجلس نخبگان به معنی نمایشی بودن مجلس عوام خواهد بود.

## فرآیند اصلاح چگونه خواهد بود؟

اینکه ساز و کار اصلاح و تغییر قانون اساسی چگونه باشد، در اصل ۱۷۷ قانون اساسی آمده است. در این اصل آمده است که بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد:

۱- اعضای شورای نگهبان مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهوری موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌کنند:

۲- رؤسای قوای سه‌گانه  
۳- اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام  
۴- پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری  
۵- ده نفر به انتخاب مقام رهبری  
۶- سه نفر از هیأت وزیران  
۷- سه نفر از قوه قضائیه  
۸- ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۹- سه نفر از دانشگاهیان  
مصوبات این شورا پس از تأیید امضای مقام معظم رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد و در نهایت با تأیید در همه‌پرسی قانون اساسی جدید پذیرفته می‌شود.

البته نکته‌ای که در این مورد وجود دارد این است که «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.»

حال باید منتظر ماند و دید که سرنوشت این نامه نیز به نامه دو سال پیش تبدیل می‌شود یا اینکه این بار بحث دیگری رقم می‌خورد.

تا عوام‌فریبی کمتر شود.»

غلامرضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص نیز همان زمان در دفاع از نظام پارلمانی، گفته بود: «این رویه باعث می‌شود تا مراجعه به رأی مردم کاهش پیدا کند اما نتیجه معقولانه‌تر باشد.»

برخلاف بسیاری دیگر معتقدند هر تغییری در قانون اساسی باید منجر به بیشتر شدن مراجعه به آرای عمومی شود، نه کاهش آن چرا که چنین چیزی متناسب با روح جمهوری نظام نیست.

دیگر مخالفان نظام پارلمانی نیز تأکید می‌کنند که بازگشت به نظام پارلمانی باعث ایجاد فسادهای زیادی به ویژه در مجلس خواهد شد و با این شرایط نخست‌وزیر تنها باز یچه دست نمایندگان مجلس خواهد بود.

## در پی دور کردن سایه شورای نگهبان

غیر از محدود کردن ریاست جمهوری و احیای نخست‌وزیری، مورد دیگری که طرفداران تغییر قانون اساسی به خصوص بخش اصلاح طلب آنها، بر آن دست می‌گذارند، محدود کردن شورای نگهبان است. شورای که ۳۰ سال پیش گستره اختیاراتش وسیع شد حالا امده‌ای که از این اختیارات وسیع به ستوه آمده‌اند، می‌خواهند سایه شورای نگهبان را از انتخابات دور کنند.

این در حالی است که عباسعلی کدخدایی به عنوان سخنگوی شورای نگهبان، تاکنون روی خوشی به تحرکات برای تغییر قانون اساسی نشان نداده است. با ارسال که مکرر این تب برمی‌خواستند و فرومی‌نشست، یک بار در شهریور ماه در تویترش نوشت که «اصل در حقوق اساسی، ثبات قانون اساسی است.» و بعد هم ادامه داد: «قانون اساسی ما ظرفیت‌هایی دارد که مورد استفاده قرار نگرفته است. معتقدم به جای اصلاح قانون اساسی، به فکر استفاده از تمام ظرفیت‌های آن باشیم. آیا قوای سه‌گانه و سایر نهادها، تمام اختیارات و صلاحیت‌های مطرح در قانون اساسی را به کار گرفتند؟»

چند ماه بعد در بهمن ماه هم دوباره توثیق مشابهی زد و نوشت: «همانطور که اصلاح یک قانون اساسی بنا بر اقتضات زمان از الزامات است، اصلاح بی‌مورد نیز می‌تواند آسیب‌زا باشد. صرف گذشت زمان دلیلی تام برای تغییر قانون اساسی نیست. مانایی یک قانون اساسی مبتنی بر فرهنگ، باورها و ارزش‌های بنیادین از مهم‌ترین تفاوت‌های آن با قانون عادی است.»

## رنگ باختن عوام

## زیر سایه خواص

موضوع دیگری که در میان این زمره‌های اصلاح قانون اساسی، زیاد به آن اشاره می‌شود، ایجاد مجلس دوم است. طرفداران این ایده عوام‌فریبی و تمرکز نمایندگان به منافع کوتاه‌مدت خود رأفت مجلس می‌دانند. آنها تأکید می‌کنند که نمایندگان با نگاه به منافع فردی و گروهی خود، صرفاً به دنبال باندبازی و سیاسی‌کاری هستند و تصمیمات درستی نمی‌گیرند. با این استدلال نتیجه می‌گیرند که بنابراین لزوم یک مجلس سنادر کنار مجلس نمایندگان احساس می‌شود.

برخی به ویژه از درون شورای نگهبان و مجمع تشخیص تأکید می‌کنند که هیچ نهادی جز این دو توانایی تبدیل شدن به مجلس

در خواست بیش از ۱۰۰ نماینده از رهبری برای تغییر قانون اساسی؛  
دور خیز برای تشکیل «مجلس اعظم»

«اصلاح قانون اساسی» بیش از هر چیز شبیه به تپی است که هر از گاهی با گرمی تند و آتشین برمی‌آید و بعد پنداری با خنکای خاک‌شیری چنان فرومی‌نشیند که گویی از ابتدا اصلاً نبوده است. حالا دوباره این تب بالا گرفته است: عزت‌الله یوسفیان ملا، عضو فرآکسیون مستقلین دیروز خبر از تهیه‌نامه «درخواست از مقام معظم رهبری برای بازنگری در قانون اساسی» داده و گفته است که بیش از ۱۰۰ نماینده تاکنون این درخواست را امضا کرده‌اند؛ اما قرار ما با دوستان این شد که اگر این درخواست به بالای ۲۰۰ امضا برسد، آن را خدمت رهبری ارسال کنیم و این کار منهای خط و خطوط و جریانات سیاسی است.»



## به گفته یوسفیان ملادر

## نامه به مقام معظم رهبری

## آمده است که برخی

## قسمت‌های قانون اساسی

## قابل بازنگری است. به گفته

## او یکی از موارد این است که

## آیاد شرایط فعلی نیاز به

## نخست‌وزیر داریم یا خیر؟

## و دیگری مربوط به تشکیل

## «مجلس اعظم» است

جدی و رسمی برای اصلاح قانون اساسی را بعد از سفر سال ۹۰ مقام معظم رهبری به کرمانشاه جستجو کرد. رهبری در این سفر گفتند که «اگر روزی در آینده‌های دور نزدیک چنین چیزی پیش نمی‌آید» احساس شود که به جای نظام ریاست‌منسب به محمد خاتمی نمونه عینی این اختلافات بود. رفته رفته اعتراض به نظارت استصوابی شورای نگهبان نیز به آن افزوده شد؛ گلايه روسای جمهوری از اختیاراتی که ندارند و اختلافاتشان با مجلس و گلايه نمایندگان از مداخلاتی که در تصمیم‌گیری‌های آنها می‌شود و مجمع تشخیص.

هر چه این گروه‌ها بیشتر و کورتر شدند، زمره اصلاح دوباره قانون اساسی نیز بیشتر شد؛ زمره‌ای که هر بار پیش از آنکه صدایش به جایی برسد، خاموش شده است. اکنون اما فاصله این زمره‌ها کوتاه‌تر از قبل شده است. اگر پیشتر هر دو سال یک بار این موضوع مطرح می‌شد، حالا هر شش ماه و سه ماه یک بار، عده‌ای خیز برمی‌دارند و تغییر بازنگری در قانون اساسی، اگر اصلاح طلب باشند، رویکرد اصلاح طلبانه برای این تغییر دارند و اگر اصولگرا باشند، تمایلات اصولگرایانه اما آنچه میان این دو مشترک است، این است که ندای «تغییر قانون اساسی» از هر دو جبهه به گوش می‌رسد. هر چه خروجی از بن بست‌های سیاسی سخت‌تر می‌شود، آنها با اطمینان بیشتری ضرورت دست بردن در قانون اساسی را مطرح می‌کنند؛ با این استدلال که این نسخه تنها در مان‌ده‌های بی‌چاره مملکت است.

## خطر بیخ گوش

## روح جمهوری‌یت؟

تقریباً می‌توان اولین تحركات

برای مقام رهبری»، «حذف شورای رهبری»، «تغییر نام ولایت به ولایت مطلقه»، «تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی» و در نهایت «حذف مقام نخست‌وزیری» بود. در عوض مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل

## درمان دردهای بیچاره؟

هیچ تردیدی نیست که این تغییرات، تحولاتی بنیادین در نحوه اداره کشور و نظام سیاسی ایجاد کردند. از آن زمان تاکنون قانون اساسی همان است که در سال ۶۸ تصویب شد. در سال‌های اول آرامشی که در پی حذف مقام نخست‌وزیری و خاتمه اختلاف‌نظر میان نخست‌وزیر و رئیس جمهوری ایجاد کرده بود، خوشایند بود اما چیزی نگذشت که اختلافات تازه‌ای سر بر آورد. انتخابات دوم خرداد و ریاست‌منسب به محمد خاتمی نمونه عینی این اختلافات بود. رفته رفته اعتراض به نظارت استصوابی شورای نگهبان نیز به آن افزوده شد؛ گلايه روسای جمهوری از اختیاراتی که ندارند و اختلافاتشان با مجلس و گلايه نمایندگان از مداخلاتی که در تصمیم‌گیری‌های آنها می‌شود و مجمع تشخیص.

هر چه این گروه‌ها بیشتر و کورتر شدند، زمره اصلاح دوباره قانون اساسی نیز بیشتر شد؛ زمره‌ای که هر بار پیش از آنکه صدایش به جایی برسد، خاموش شده است. اکنون اما فاصله این زمره‌ها کوتاه‌تر از قبل شده است. اگر پیشتر هر دو سال یک بار این موضوع مطرح می‌شد، حالا هر شش ماه و سه ماه یک بار، عده‌ای خیز برمی‌دارند و تغییر بازنگری در قانون اساسی، اگر اصلاح طلب باشند، رویکرد اصلاح طلبانه برای این تغییر دارند و اگر اصولگرا باشند، تمایلات اصولگرایانه اما آنچه میان این دو مشترک است، این است که ندای «تغییر قانون اساسی» از هر دو جبهه به گوش می‌رسد. هر چه خروجی از بن بست‌های سیاسی سخت‌تر می‌شود، آنها با اطمینان بیشتری ضرورت دست بردن در قانون اساسی را مطرح می‌کنند؛ با این استدلال که این نسخه تنها در مان‌ده‌های بی‌چاره مملکت است.

پارلمانی بود و پارلمان نخست‌وزیر را برای رئیس جمهوری انتخاب می‌کرد. قانون اساسی اولیه با تمرکز بر جلوگیری از بروز و ظهور دیکتاتوری، قدرت را میان رئیس جمهوری، نخست‌وزیر و مجلس تقسیم کرده بود. اما رفته رفته اختلاف میان نخست‌وزیران و روسای جمهوری، به درگیری لاینحل تبدیل شده بود. در نهایت این درد در دستور رهبری برای اصلاح قانون اساسی و حذف پست نخست‌وزیری از آن خاتمه یافت. امام خمینی، در سال ۶۸ در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهوری وقت، هیأتی به ریاست علی مشکینی را مامور بازنگری و اصلاح قانون اساسی کرد. سه ماه بعد امام در گذشت و قانون اساسی بازنگری شده در شش مرداد ۶۸، همزمان با پنجمین دور انتخابات جمهوری در دنیا وجود دارد که تک مجلسی باشد.»

او به طرح موضوع مجلس دوم در نامه نیز اشاره کرده و افزوده: «در دنیا هم اینطوری است که در کنار یک مجلس عمومی یک مجلس تخصصی بالاتر وجود دارد. این مجلس سنا می‌نامند و این نام شاید خوشایند نباشد بلکه می‌توان مجلس اعظم را در نظر گرفت. همه‌جای دنیا اینطوری است و کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که تک مجلسی باشد.»

او به طرح موضوع مجلس دوم در نامه نیز اشاره کرده و افزوده: «در دنیا هم اینطوری است که در کنار یک مجلس عمومی یک مجلس تخصصی بالاتر وجود دارد. این مجلس سنا می‌نامند و این نام شاید خوشایند نباشد بلکه می‌توان مجلس اعظم را در نظر گرفت. همه‌جای دنیا اینطوری است و کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که تک مجلسی باشد.»

او به طرح موضوع مجلس دوم در نامه نیز اشاره کرده و افزوده: «در دنیا هم اینطوری است که در کنار یک مجلس عمومی یک مجلس تخصصی بالاتر وجود دارد. این مجلس سنا می‌نامند و این نام شاید خوشایند نباشد بلکه می‌توان مجلس اعظم را در نظر گرفت. همه‌جای دنیا اینطوری است و کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که تک مجلسی باشد.»

او به طرح موضوع مجلس دوم در نامه نیز اشاره کرده و افزوده: «در دنیا هم اینطوری است که در کنار یک مجلس عمومی یک مجلس تخصصی بالاتر وجود دارد. این مجلس سنا می‌نامند و این نام شاید خوشایند نباشد بلکه می‌توان مجلس اعظم را در نظر گرفت. همه‌جای دنیا اینطوری است و کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که تک مجلسی باشد.»

او به طرح موضوع مجلس دوم در نامه نیز اشاره کرده و افزوده: «در دنیا هم اینطوری است که در کنار یک مجلس عمومی یک مجلس تخصصی بالاتر وجود دارد. این مجلس سنا می‌نامند و این نام شاید خوشایند نباشد بلکه می‌توان مجلس اعظم را در نظر گرفت. همه‌جای دنیا اینطوری است و کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که تک مجلسی باشد.»

## محبوبه ولی

یوسفیان ملا گفته است که «در آن نامه آمده قانون اساسی بعضی جاها قابل بازنگری است. یکی از موارد هم این است که آیا در شرایط فعلی نیاز به نخست‌وزیر داریم یا خیر؟ اگر نیاز داریم نخست‌وزیر از مجلس بیرون بیاید یا از سمت رئیس جمهوری معرفی شود یا اینکه از طریق نظام انتخاباتی باشد. که این‌ها قابل بحث است.»

او به طرح موضوع مجلس دوم در نامه نیز اشاره کرده و افزوده: «در دنیا هم اینطوری است که در کنار یک مجلس عمومی یک مجلس تخصصی بالاتر وجود دارد. این مجلس سنا می‌نامند و این نام شاید خوشایند نباشد بلکه می‌توان مجلس اعظم را در نظر گرفت. همه‌جای دنیا اینطوری است و کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که تک مجلسی باشد.»

## آخرین باری که قانون

## اساسی ایران تغییر کرد

زمانی نه چندان دور، یعنی تا همین ۳۰ سال پیش، نظام اداره کشور در ایران مثل بسیاری دیگر از کشورهای پارلمانی بود؛ یعنی رئیس جمهوری داشتیم با رأی مردم و نخست‌وزیری با رأی نمایندگان مجلس. هر دو انتخاب مردم بودند، چرا که نمایندگان که نخست‌وزیر انتخاب می‌کردند نیز توسط مردم انتخاب شده بودند و در واقع رئیس جمهوری با رأی مستقیم و نخست‌وزیر با رأی غیرمستقیم مردم به دولت راه می‌یافتند؛ اما با این حال ۱۰ سال ابتدای انقلاب اسلامی با اختلاف رئیس جمهوری و نخست‌وزیری طی شد؛ از اختلافات بنی‌صدر با محمدعلی رجایی گرفته تا اختلافات میرحسین موسوی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که آن زمان ردای رئیس جمهوری بر تن داشتند.

استنباط بسیاری بر این بود که رئیس جمهوری با دلیل اختیاراتی که نخست‌وزیری دارد به پستی تشریفاتی تبدیل شده و از سوی دیگر نخست‌وزیر، عضوی است که مجلس به رئیس جمهوری تحمیل کرده است.

## پایان موقت تنازع قدرت

چاره چه بود؟ نظام کشور